

در ایتالیا جرائم ارتكابی که در ۱۹۲۳ بین هزار نفر به نسبت ۱۸/۳۸ بود در ۱۹۳۸ به ۱۲/۹۴ تقلیل یافت و از ۱۹۳۸ تا ۱۹۳۹ مجدداً نقصان مهمی در میزان جرائم ارتكابی رخ داد. در آلمان حد وسط جنایات و جنحه‌ها از ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۹ بیش از يك نكث نقصان پذیرفت. حقوق دانان ایندو کشور این تحول را معلول طرز حکومت مقتدرانه میدانند. در انگلیس تجدید فعالیت اقتصادی از ۱۹۳۳ الی ۱۹۳۴ و کم شدن اعتصاب ارتكاب جرائم را به میزان معتناهی کاهش داد ولی در ۱۹۳۸ طبق آمار تنظیمی رو با افزایش گذارد و تعداد زندانیان از ۴۲۰۱۴ در ۱۹۳۷ به ۴۴۹۲۴ در ۱۹۳۸ افزون گردید. در یونان در ۱۹۳۳ و در سوئد در ۱۹۳۴ و در هلند در ۱۹۳۸ جرائم ارتكابی رو با افزایش بود. در ممالک متحده امریکای شمالی در ۱۹۳۴ افزونی آن صورت دهشتناکی بخود گرفت.

اصلاح حقوق موضوعه در کشورهای مختلفه - تحول اصول عقاید جنائی در حقوق موضوعه کشورها تأثیر زیادی داشته است. سابقاً متذکر شدیم که مکتب شو کلاسیک تأثیر شایانی در تمام قوانین جزائی که از ۱۸۳۵ تا ۱۸۷۰ در دست تهیه بود داشته است و این تأثیر در قانون جزای ۱۸۸۹ ایتالیا هنوز وجود دارد و قانون جزای ۱۹۲۶ ترکیه از قانون مزبور تقلید کرده است. نفوذ مکتب شو کلاسیک در قانون جزای ۱۹۳۱ ایران و قانون جزای ۱۹۳۷ فلسطین و قانون جزای ۱۹۳۷ مصر خیلی محسوس میباشد.

باید توجه داشت که در نهضت قانونگذاری از آغاز آن تا بحال وقفه حاصل نشده است و حتی در ممالک متحده امریکای شمالی و انگلیس که عادت (۱) و رویه قضائی (۲) محاکم عمده ترین منابع حقوق بشمار میآید قوانین خصوصی (۳) جدید، اصلاحاتی را که از افکار نو الهام گرفته است موجب شده است.

در بریتانیا قوانین ذیل بتصویب رسیده است: قانون تعلیق محکومیت (۴) و قانون اصلاح مجازات اعمال شاقه (۵) و قانون تأسیس مدارس برای اصلاح مجرمین

1- Common law.

2- Case law.

3- Statute law.

4- le probation of First offenders Act de 1887.

5- le penal Servitude Act de 1899.

جوان (۱) و قانون تدابیر تأمینیه مربوط به مجرمین اعتیادی (۲) و قانون محکومیت مشروط (۳)

در عصر حاضر در بریتانیا سیاست جنائی جدیدی برای بسط مجازاتهای مالی و تعلیق اجرای مجازات در حال تکوین است .

قانون جزای ۱۹۰۲، نوژ و قانون جزای ۱۹۰۲ روسیه که بعداً در لیتوانی و لتونی و استونی بموقع اجراء گذارده شد و مخصوصاً قوانین جدید ممالک امریکای جنوبی در زمره قوانینی میباشد که از اصول مکتب تحقیقی تبعیت کرده است .

در بعضی از ممالک دیگر تغییر رژیم سیاسی نیز موجب تدوین قانونهای جدید جزا شده است . مثلاً در جمهوری سوسیالیستی ممالک متحده جماهیر شوروی متدرجاً در ۱۹۲۲ و ۱۹۲۶ دو قانون جزا تنظیم گردید که در آن فکر مبارزه طبقاتی با الهامات مأخوذه از مکتب تحقیقی مزوج شده است و در سنه ۱۹۲۴ قانون مربوط بدول متحده سوسیالیستی ، اصول اساسی را که قوانین جزائی جمهوریهای متحده باید از آن الهام گیرند تنظیم کرده است .

در ایتالیا طرخی که از طرف رو کو تنظیم شده است و از مکتب فنی و قضائی سرچشمه گرفته است از اول ژانویه ۱۹۳۱ قانون جزای فعلی ایتالیا محسوب میشود . در آلمان طرجهائی که در ۱۹۰۹ و ۱۹۳۰ طبق اصول متخذه اتحادیه بین المللی حقوق جزا تدوین شده بود متروک گردید و طرح جدید ناسیونال سوسیالیست که روی اصول نژادی و استعلاء و قدرت نمائی تدوین شده قائم مقام آن گردید این طرح از نظریه درونی تبعیت کرده و مقید است اراده تبه کارانه (۴) را قبل از تحقق جرم مجازات نماید . مسائلی که مورد امعان نظر حقوق دانان قرار گرفته است - حوادث سیاسی سه مسئله ذیل را که مورد توجه حقوق دانان فرانسه و کشورهای دیگر میباشد تحت الشعاع قرار داده است و اینک بذکر آن میپردازیم .

1- le Reformatory School Act de 1899 .

2- le probation of crime Act de 1908 .

3- le probation of offenders Act de 1907 .

4- Willensstrafrecht .

۱ - تجدید نظر در قانون جزای فرانسه که قدیمی ترین حقوق جزا بشمار میاید حسن این کار این خواهد بود که نقائص آن مرتفع میگردد و بهتر میتوان به نیاز مندیهای که سیاست جنائی ایجاب میکند صورت عمل داد ولی این عیب را دارد که رویه قضائی محاکم را که سالیان دراز مبنائی آن ریخته شده در آتیه عبث و بی فایده میسازد. در تجدید نظری که در یک کمیسیون خارج از پارلمان بعمل آمده طرح جدیدی برای قانون جزای فرانسه تهیه شده و بقوه مقننه تسلیم گردیده است .

۲ - توحید قوانین جزا که بیشتر جنبه فنی دارد مانند فرض علمی شروع بجرم و مشارکت در جرم و تنظیم مقررات مربوط به حقوق بین الملل از قبیل راهزنی در دریا و معامله سفید پوستان . انجمن بین المللی حقوق جزا در ۱۹۲۶ در رأس این اقدام قرار گرفت و آخرین کنفرانسهای بین المللی برای توحید حقوق جزا در پاریس و مادرید و کپنهاگ و قاهره تشکیل گردید .

۳ - مطالعه در چگونگی اصلاح رژیم محابس ؛ زیرا کیفیت اصلاح آن قابل بحث است بعضی معتقدند که باید در اصلاح اخلاقی متهم و آماده ساختن او برای زندگانی مجدد اجتماعی کوشید برخی دیگر بر عکس عقیده مند هستند که باید اثر اخافه مجازات را از راه طرز اجراء آن تشدید و تقویت نمود . ترقی افکار بشر دوستی بیشتر نظریه اول را مورد پسند قرار داده و در کنگره های مربوط به محابس هم که مقرر آن در بال (۱) است تأیید گردیده است ولی از کارهای مقدماتی که در تهیه قانون جزای جدید آلمان صورت گرفته و اظهارات سرشار از احساسات که در کنگره بران ایراد شده معلوم میشود که طرق انتقام جویانه که خیال میکردند وابسته بمرحله ایست که در اثر تحولات حاصله در حقوق جزا سپری شده مجدداً رونق پیدا نموده است .

تقسیم حقوق جزا - حقوق جزا مشتمل بر پنج دفتر خواهد بود :

دفتر نخست در جرم .

دفتر دوم در مسئولیت .

دفتر سوم در مجازات ها .

دفتر چهارم در کیفیاتی که نسبت به شدت مجازات و طول آن مؤثر میباشند .

دفتر پنجم در علل سقوط مجازات و از بین رفتن محکومیت .

دفتر نخست

جرم

## جرم

تعریف جرم - تعریف جرم بر حسب مکتبهای مختلفه جزائی متفاوت است بعقیده طرفداران مکتب عدالت مطلقه جرم عبارت از عملی است که مخالف اخلاق و عدالت باشد. در نظر کاروفالو در صورتیکه بآن قسمت از حس درستی و نیکوکاری که همیشه و در همه جا مورد قبول واقع شده است دستبرد و اهانت کنند مرتکب جرم میشوند. کارارا (۱) بدین شرح از جرم تعریف نموده است: «نقض قانون مملکتی در اثر عمل خارجی در صورتیکه انجام وظیفه و یا اعمال حقی آنرا تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد جرم نامیده میشود».

تعریف اخیر در جهان بر سایر تعریفها دارد زیرا عناصر سه گانه جرم را که عبارت از عنصر قانونی و عنصر مادی و عنصر اخلاقی است مجسم میسازد. وسائل مبارزه بر ضداثر کتاب جرم و نقش اساسی اقدامات احتیاطی - از آغاز مکتب کلاسیک و متأخر قبول دارند که وظیفه حقوق جزا اساساً استوار بر نفع و فایده عمومی است (۲) بنابراین هدف اصلی سیاست جنائی این خواهد بود که از وقوع جرم جلوگیری نماید. مفهوم دفع جرم و مفهوم مجازات پس از تحقق جرم، متضاد نیست بلکه متمم یکدیگر میباشند و در واقع مجازات هم یکی از وسائل برای دفع جرم و جلوگیری از آن است بدون اینکه مهمترین آن تلقی شود. تاریخ و ملاحظات روزمره عقیده آنریکو - فری را دایر بر وجود رابطه حتمی بین تشکیلات محیط و شدت حادثه جنائی تأیید کرده است. ارتکاب جرم مانند بشورات و عارضه تب و بجران عصبی که در اثر اختلال مزاج بروز میکند مبین عدم تعادل اجتماعی است و برعکس نبات وضع سیاسی همانطور که گابریل تارد متذکر شده اولین شرط لازم برای مؤثر واقع شدن وسائل جلوگیری

1 - Carrara.

2 - Penitur non quia peccatum est' sed ne peccerut .

ز وقوع جرم میباشد در فرانسه در حدود سال ۱۸۶۰ یعنی اواسط سلطنت ناپلیون سوم طبق آمار تنظیمی سطح جرائم ارتكابی پائین بوده است و علت آنرا مستند بر قدرت حکومت وقت کرده اند که اغتشاش و بی نظمی را برای مدت مدیدی ریشه کن کرده بوده است ولی برعکس در ایتالیا طبق مطالعات پرنس در اثر بی نظمی بین صدهزار نفر ۲۲۹ زندانی وجود داشته است. از بین ممالک مختلفه، انگلستان در آن زمان از تمام کشورها کمتر زندانی داشته است و تعداد آنرا بین صدهزار نفر به ۷۵ نفر بالغ نموده اند و شاید در اثر بسط اعتصاب باشد که امروز تناسب بالاتر تغییر کرده و بالنتیجه تعداد محبوسین افزون گردیده است. ملاحظه در عمل قلت ارتكاب جرم در آن کشور ما را بر موز ذیل آگاه میسازد: نقش اقلیم و ساختمان مزاجی افراد که آتربیکوفری نسبت بآن مبالغه کرده و قیود اخلاقی و اشتغال خاطر به نظم محابس و طرز اجراء مجازات که همواره در انگلستان مورد توجه و اندیشه عموم است و بالاخره علاقه شدید افراد آن به تبعیت از اصول عقایدی که مبتنی بر احادیث باستانی و داستانهای مأثور میباشد، عوامل صیانت آن کشور از بروز تشنج و تکان اجتماعی در موقع تحول و جلوگیری از تباهی اخلاق و بالنتیجه کم یابی جرائم ارتكابی در انگلستان میباشد.

از ملاحظات متتبعین اجتماعی این نتیجه استحصالی شده که اتخاذ تدابیر برای بهبودی زندگانی افراد کشور بهترین عامل مبارزه با جرم میباشد و پرنس ایتالیایی بشرح ذیل آنرا تعداد نموده است:

- ۱ - اتخاذ یک سیاست اقتصادی که نان ارزان برای همه فراهم نماید.
- ۲ - تدوین قانون برای تأمین مسکن با تمام لوازم آن برای کارگران تا از رفتن به میخانه ها و استقبال حجرات محابس ایمن گردند.
- ۳ - تشکیل اتحادیه های حرفه ای که از یاد گارهای پسندیده تشکیلات صنفی سابق بشمار می آید، برای نظارت و تعاون بین انجینی کارگران.
- ۴ - وضع قانون بیمه اجتماعی کارگران از جهت حوادث و ناخوشیها و ایام فراتوتی عارضه بر آنها.

۵ - مبارزه بامشروب خواری که سرچشمه زوال ناپذیر کلیه جنایات میباشد.  
 ۶ - حمایت و تربیت جسمانی و اخلاقی کودکانی که رها و ترك میگردند.  
 ۸ - تعلیمات ساده و عوام فهم حرفه که بالنسبه به بیلاقات و مراکز صنعتی متفاوت باشد.

۸ - مبارزه بامطبوعات فاسد و مستهجن که روح عامه را مسموم میکند.  
 ۹ - بذل مساعی خستگی ناپذیر برای عدم اقبال قوای فعاله کشور بطرف شهرها و جمعیتدار کردن مجدد بیلاقات مترو که و تقویت صنایع کوچک.  
 با توجه به مراتب بالا بمقام فرعی و اضافی مجازات در مبارزه با جرائم پی برده میشود و تنها با اتخاذ تدابیر در خصوص بهبودی زندگانی افراد و ترجیح آن بر مجازات میتوان به حذف و نسخ مداوم مجازات، موفق شد و آن را میزان ترقی اجتماعی ملتی دانست زیرا در اینصورت مسلم میگردد که وسایل و اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از وقوع جرم مؤثر واقع شده و نیازی با اجرای کثیر الوقوع مجازات که با کثرت جرم بستگی دارد نمیباشد. اگر حکومت های مستبده و قدرت طلب که پس از تشنجات اخیر ظهور پیدا نموده زیاد از سلاح مجازات استمداد جستند برای این است که استعمال آن سهل و تأثیر آن در اذهان عمیق میباشد و گرنه اندیشه و دغدغه خاطر آنها بیشتر معطوف بزانون در آوردن رقبای خود بوده تا ابراز عکس العمل کلی بر ضد جرائم ارتکابی.

دقت نخست مشتمل بر سه بخش خواهد بود.

بخش اول در عناصر مختلفه جرم.

بخش دوم در اقسام مختلفه جرم.

بخش سوم در لحظات مختلفه ارتکاب جرم.

# بخش اول

## عناصر مختلفه جرم

برای اینکه عملی از لحاظ اجتماعی قابل مجازات باشد سه شرط لازم دارد  
اول تخلفی و تجاوز بقانون جزا ، دوم کردار مادی ، سوم قصد ارتکاب جرم .



# گفتار اول

## عنصر قانونی جرم

یکی از اصول اساسی حقوق عمومی این است که هیچ عملی نباید مورد دادرسی قانون کیفری واقع شود مگر اینکه قبلاً از طرف قانون با صراحت پیش بینی شده باشد. این معنی را مثل معروف «هیچ جرمی بدون قانون وجود پیدا نمی نماید» (۱) تصریح کرده است. علاوه دادرسی کیفری باید در حکمی که صادر میکند مجازاتی معین کند که طرز اجراء و مدت آن قبل از عمل ارتكابی از طرف قانون معین شده باشد. مثل معروف «هیچ مجازاتی بدون قانون قابل اعمال نیست» (۲) مبین این معنی است. این قبیل اصول و افکار در قوانین انقلاب کبیر فرانسه مخصوصاً ماده هشت اعلامیه حقوق بشر منعکس می باشد ولی باید دانست که این اصول مورد قبول همه واقع نشده و مکتب تحقیقی با آن مخالفت ورزیده است. مکتب مزبور معتقد است که ساختمان مزاجی بعضی از اشخاص معد برای ارتكاب جرم می باشد در این صورت لازم است قبل از ارتكاب مقامات قضائی این قبیل اشخاص را تحت نظر بگیرند. بعضی از طرفداران افراطی مکتب مزبور حتی پیشنهاد کرده اند قبل از ارتكاب جرم آنان را از جامعه طرد نمایند.

اصل قانونی بودن جرائم و عقیده «حالت دال بر خطرناکی مجرم» - عقیده

مربوط به خطرناک قلم رفتن مجرم از طرف اتحادیه بین المللی حقوق جزا مورد قبول واقع شده است. اتحادیه مزبور نسبت با شخصیتی که از لحاظ سابق ارثی و اعتیادات زندگی خطرناک و مضر برای جامعه جلوه میکنند، قبل از ارتكات جرم از طرف آنان، توسل بوسایل دفاع اجتماعی را خواه مجازات باشد و خواه تدابیر تأمینیه ستوده است. این عقیده پیوسته مورد تنفر علمای جنائی که متحلی با احساسات آزاد منشانه و فردی می باشند واقع

1 - nullum crimen sine lege )

2 - nulla poena sine lege .

شده است در تمام قوانین جزای کشورها باستثنای قانون جزای شوروی، دو قاعده معروف «هیچ جرمی بدون قانون وجود پیدایی نماید» - «هیچ مجازاتی بدون قانون قابل اعمال نیست (۱)» پیش بینی شده است ولی برعکس ماده ۷ قانون جزای شوروی چنین بهرر میدارد: «تدابیر دفاع اجتماعی نه فقط نسبت به اشخاصی که مرتکب اعمال اجتماعی خطرناک شده اند اعمال میگردد بلکه اشخاصی هم که از لحاظ بستگی به یک محیط خطرناک و یا سوابق خویش خطرناک میباشند در معرض آن قرار میگیرند».

قانون جزای ۱۹۳۰ ایتالیا مجرمین راغب بارتکاب جرم را که مشتمل جانی با فطره لمبروزو هم میشود، به محض ارتکاب جرم، سابقه دار تلقی کرده است. این نظریه از عقیده مخصوص «حالت دال بر خطرناکی مجرم» الهام گرفته است. طبق قانون جزای مزبور در بعضی مواقع تدابیر تأمینیه بدون اینکه جرمی واقع شده باشد میسر میباشد. نسبت باصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها، با قبول استدلال از طریق قیاس، تعدیلاتی قائل شده اند.

توجیه اصل بالا - دو قاعده بالا غیر قابل تفکیک بوده و مبنای آزادی فردی بشمار میآید. اگر رسم شود عملی که قبلاً از طرف قانون جرم تلقی نشده قابل تعقیب باشد و دادرس بتواند مجازاتی معین کند که مرتکب از آن حالی الذهن باشد عدالت کیفری بصورت یک عدالت انفاقی و تصادفی در آمده و بهمین جهت تابع امیال و هواجس شخصی قرار میگیرد. خصیصه عمومی قانون همانطوریکه ژان ژاک روسو متذکر شده است بهترین حافظ حق فردی است.

نتایج حاصله از اصل بالا - از قاعده «هیچ جرمی بدون قانون وجود پیدا نمی نماید» (۲) این نتیجه دست میدهد که دادرس نمیتواند برای مرتکب عملی که قانون جزا آنرا جرم تلقی نکرده حکم محکومیت صادر کند. عموماً جرائمی که قانون جزا معین میکند توأم با تعریف است گاهی هم ممکن است قانون از جرمی تعریف نکرده و با تعریفی که کرده مبهم باشد در اینصورت علمای علم حقوق و رویه های قضائی محاکم باید نقائص قانون را رفع نمایند بعلاوه از قاعده فوق الذکر این نتیجه

1 - nullum crimen ' nulla poena sine lege .

2 - nullum crimen sine lege .

حاصل میشود که دادرس نمیتواند در حکم محکومیت ابداع مجازات نماید بلکه باید برای جرم ارتكابی مجازاتی را که قانون پیش بینی کرده معین کند. در تعیین مجازات مقنن گاهی يك مجازات ثابت در نظر گرفته است مثل جرم قتل عمدی که طبق ماده ۱۷۰ قانون مجازات، عمومی مجازات آن اعدام است. خیلی از اوقات مقنن حق تعیین حداقل و اکثر مجازات را به دادرس اعطاء کرده که بین آندوهر میزانی که مقتضی میدانند معین کند مثل سرقت عادی که مجازات آن طبق ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی از دو ماه تا دو سال میباشد.

غالباً اتفاق میافتد که مقنن در موقع پیش بینی جرم جدید مجازات مورد نظر خود را یکی از مواد مربوط بجرم دیگر احواله میدهد مثلاً در ماده ۴ از قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۱۲ مقرر گردیده عمالیکه امر با خذ مالیات غیر قانونی بدهند مشمول مقررات ماده ۱۵۴ قانون مجازات عمومی خواهند بود. این سیستم از لحاظ تعیین درجه شمول ماده احواله داده شده بر ماده جدید بعضی وقت تولید اشکال میکند مثل اینکه گاهی این سؤال پیش میآید که آیا علاوه بر مجازات اصلی پیش بینی شده در آن ماده مجازات تبعی آن که مستتبع بر مجازات اصلی است نسبت بجرم جدید قابل اعمال هست یا نه؟ در مثال مورد بحث مشمولین ماده ۱۵۴ طبق ماده ۱۹ اصلاحی تیر ماه ۱۳۲۸ در مدت ۵ سال از حق استخدام دولتی و مملکتی محروم میباشند زیرا جنحه مزبور در عداد جنحه های مضر بمصالح عمومی است که در باب دوم قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است در این صورت آیا محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی که دامنگیر مشمولین ماده ۱۵۴ قانون مجازات عمومی میشود نسبت به مشمولین ماده ۴ از قانون محاسبات عمومی که جرم ارتكابی آنان در باب دوم قانون مجازات عمومی ذکر نشده قابل اعمال است؟ آخرین نتیجه مستخرجه از قاعده بالا این است که تفسیر قانون جزا باید حتی المقدور محدود و مضیق باشد (۱) بنحویکه اصولاً برای متهم مفید و ملاحظت آمیز واقع گردد از این نتیجه نباید چنین استفاده کرد که هر وقت شك و تردیدی در فهم قانون جزا پیدا شود حتماً باید آنرا طوری تفسیر و تاویل نمود که برای متهم مساعد باشد بلکه باید برای روشن ساختن معنای حقیقی هر قانونی قبلاً به سوابق تاریخی و تنقیحات مقدماتی آن مراجعه کرد و از موازین معلومات حاصله از منطق استمداد جست.

جرائمی که قانون آن را پیش بینی میکند، و قتیکه عبارت آن قابل تسری بمواردی باشد که در موقع تدوین آن قابل پیش بینی واضعین آن نبوده است، نسبت بآن موارد هم اطلاق میشود زیرا درجه پیشرفت علوم در آن اوان آنان را قادر نمیساخته است تمام موارد متصوره را پیش بینی نمایند مثلاً طبق ماده ۲۸ قانون جزای فرانسه زیان وارد شده بر مالکیت ادبی و یاهنری اشخاص بوسیله آثار جرم تلقی میشود؛ امروز محاکم قضائی معتقدند که اگر این زیان از راه انتشار با رادیو هم صورت پذیرد مشمول ماده ۲۸ قرار میگیرد.

مقصود حقیقی از تفسیر مضیق مواد جزائی این است که برخلاف امور حقوقی در امور مشکوک و قابل احتجاج نباید متوسل به قیاس شد مثلاً در اتهام سرقت وقتی این جرم صدق پیدا میکند که مال غیر را برخلاف میل صاحب مال ربایش نمایند. عنصر اصلی جرم سرقت ضبط اقلب آمیزان میباشد بنابراین اگر شخصی در مهمانخانه غذا تناول کند و در موقع ترك مهمانخانه از پرداخت قیمت اغذیه تناول شده عاجز باشد نمیتوان او را تحت عنوان سرقت تعقیب کرد زیرا همانطویکه فوقاً ذکر گردید یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم سرقت ربایش خدعه آمیز میباشد در صورتیکه در قضیه معزوجه معینی علیه بطیب خاطر غذا را در دسترس تناول کننده گذارده است با این کیفیت اگر بخواهند عمل تناول کننده را تحت عنوان سرقت تعقیب نمایند جرم استنادی غیر قابل انطباق با آن میباشد و بهمین جهت برای امکان تعقیب این قبیل جرائم مجبور شدند قانون مصوب اول شهریور ۱۳۱۲ راجع به بدهی واردین به مهمانخانه بتصویب برسانند. ماده ۲ این قانون چنین مقرر میدارد: هر کس در مهمانخانه یا رستوران و جاهای مانند آن وارد شده و پس از بیتوته یا طرف غذا و غیره باستناد نداشتن مالی از تأدیبه کرایه منزل یا قیمت چیزهائی که مصرف کرده خود داری نماید علاوه بر محکومیت حقوقی بحبس تأدیبی از هشت روز تا ۱۵ روز محکوم خواهد شد.

استثنائاتی که رویه قضائی فرانسه در مورد استدلال از راه قیاس قائل شده -  
 ذعده منع توسل به قیاس در امور جزائی کاملاً رعایت نشده است. قبل از جنگ محاکم فرانسه مجبور شدند نسبت به مسئله ذیل تصمیم اتخاذ نمایند: شخصی با انشعاب سیم

بجریان برق کمپانی از برق آن من غیر حق استفاده مینمود. این سؤال مورد بحث واقع شد که آیا میتوان مجازات سرقت را بر عمل ارتكابی فوق الذکر اجراء کرد؟ بعضی ها معتقد هستند که اطلاق عنوان سرقت بر عمل مزبور اشکال دارد زیرا یکی از ارکان سرقت قبضه نامشروع شیئی میباشد در صورتیکه الكتریسیتة شیئی نیست بلکه يك حالتی از ماده است معذلك محاکم فرانسه نظر داده اند که در بایش برق سرقت تلقی میشود و در محط مجازات آن قرار میگیرد.

مفهوم عملیات تقلب آمیز نیز که یکی از ارکان تشکیل دهنده جرم کلاهبرداری میباشد مورد تفسیر موسع محاکم قضائی واقع شده است.

قبول استدلال از راه قیاس در امور جزائی در حقوق جزای سایر ممالک - اخیراً در ممالک اروپائی مجبوز شده اند از طریق قیاس اعمال تبه کارانه افراد را محکوم نمایند. تغییرات و تحولات حاصله در علم و صنعت موجب شده که اشخاص نابکار بتوانند از طرق مختلفه که مورد پیش بینی قانون واقع نشده است موجبات زیان جامعه را فراهم نمایند و اگر مقامات قضائی بخواهند منتظر تصویب قانون از طرف قوه مقننه شوند ممکن است خسران جبران ناپذیری متوجه هیئت اجتماع گردد.

در مقابل تفسیر مضیق که مولود حقوق فردی است و منافع جامعه را بمخاطره میانهدازد قوانین خارجی راه علاجی تعبیه کرده اند و آن عبارت از این است که قانون جزا مبهم تنظیم شود تا قابلیت انعطاف آن زیاد باشد و بتوان مواد آنرا در موارد عدیدة اعمال نمود. قوانین جزای گروه اسکاندیناوی از این لحاظ قابل ملاحظه میباشد در ممالک مزبور برای جلوگیری از توجه زیان جبران ناپذیری بجامعه سعی کرده اند مواد قانون جزا را بسا فورمولهای مبهم تنقیح نمایند تا بتوان موارد مستحدثه را که خطرناک بحال جامعه است از مشمولات آن قرارداد. این راه علاج همیشه رفع اشکال را نمیکند و تنها دواي مؤثر برای رفع محظور قبول استدلال از راه قیاس است قانون ۱۸۷۰ ژاپن و قانون جدید جزای شوروی از همین رویه تبعیت کرده اند قانون جزای ۱۹۲۶ ممالک متحده جماهیر شوروی که فاقد دو قاعده هیچ جرمی بدون قانون وجود پیدا نمی نماید - هیچ مجازاتی بدون قانون قابل اعمال نیست، میباشد در ماده ۶ چنین مقرر داشته است: «اگر اعمال شخصی برای جامعه خطرناک و مورد پیش بینی قانون

واقع نشده باشد حدود و مبنای مسئولیت شامل را میتوان طبق جرائم دیگر که مشابه و متمایل با عمل ارتكایی باشد معین نمود ، قانون جزای دانمارك در ماده يك چنین مقرر میدارد : « عملی که خصیصه جرمی و قابلیت مجازات آن از طرف قوانین دانمارك پیش بینی شده است و عملی که کاملاً متمایل با آن باشد در معرض مجازات قرار میگیرند . با اتخاذ این رویه شك نیست برای مواردی که تعقیب آن لازم است و قانون هم آنرا پیش بینی نکرده باشد چاره مؤثری اندیشیده اند و بدین منوال نقائص اعمال قابل مجازات روز بروز مرتفع میگردد ولی باید اعتراف نمود که با این کیفیت حیات قانون جزا در مخاطره افتاده و بیش از يك وهم و خیال اجتماعی تصویری نخواهد داشت اینك باید دید برای مطلق العنانی و ترکیبات خیالی دادرسان چه حدودی قائل شده اند . واضعین طرح قانون جزای ناسیونال سوسیالیست آلمان که اصولاً استدلال از راه قیاس را قبول نموده اند سعی وافر مبدول داشته اند حدود آنرا معین نمایند و متن بن قسمت که از مجموعه طرح حقوق جزا تفکیک شده است از اوان ۲۸ ژوئن ۱۹۳۵ بموقع اجرا گذارده شده است و در این قضیه چنین مقرر میگردد : « هر کس عملی مرتکب شود که قانون آنرا قابل مجازات اعلام دارد و یا بموجب اصول اساسی قانون جزا و عقل سلیم عامه مستحق مجازات باشد تنبیه و سیاست میگردد و اگر هیچ متن جزائی بر مورد بحث قابل اطلاق نباشد طبق متنی که مفهوم اصلی آن بیش از همه با آن مورد شباهت دارد مجازات میشود .

از ملاحظه متن فوق الذکر و تفسیراتی که قبل از انتشار آن شده است این نتیجه استخراج میشود که قبول استدلال از راه قیاس در قانون جزای آلمان تابع سه شرط است :

- ۱ - باید بین عمل پیش بینی شده از طرف قانون و عملی که در نزد دادرس تحت رسیدگی است شباهتی خواه از لحاظ طبع نفع در نظر گرفته شده و خواه از لحاظ طبع غرائزی که آن عمل هویدا میسازد وجود داشته باشد .

۲ - اجراء مجازات نسبت بآن عمل نباید مخالف و مصادم اراده قطعی مقنن باشد .

۳ - بسط قانون جزا باید مطابق شعور بخردانه ملت آلمان باشد .

رویه قضائی در دانمارك و آلمان در اعمال طریقه قیاس خیلی احتیاط آمیز است . در ممالك متحده جماهیر شوروی قانون ۲۵ ژوئن ۱۹۳۲ اجراء استدلال از راه قیاس را

باتشبهت مجدد اصل قانونی انقلابی، محدود کرده است.

موضوع ردیاقبول استدلال از راه قیاس در دستور جلسه کنگره انجمن بین المللی حقوق جزا قرار داده شده است و کنگره مزبور در عین اینکه اظهار تمایل نموده «مقررات حقوق جزا که جرائم را تعریف میکنند با عبارات و اصطلاحات کلی ادا و تفسیر شود تا انطباق رویه قضائی را با ضروریات اجتماعی تسهیل کننده تصدیق کرده است که نتیجه اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها که وسیله تضمین حقوق فردی است نافی طریقه استدلال از راه قیاس در تفسیر قوانین جزائی میباشد».

**منابع حقوق جزای ایران** - مهمترین منابع حقوق جزای ایران قانون مجازات عمومی و اصول مجازات کیفری هستند قبل از وضع ایندو قانون تنها حدود و تعزیرات مقرر در شرع مبین اسلام اجراء میگردد و ماده (۱) قانون مجازات عمومی در ضمن تایید آن چنین مقرر میدارد: «مجازاتهای مصرحه در این قانون از نقطه نظر حفظ انتظامات مملکتی مقرر و در محاکم عدلیه مجری خواهد بود و جرمهاییکه موافق موازین اسلامی تعقیب و کشف شود بر طبق حدود و تعزیرات مقرر در شرع مجازات میشوند» طبق این ماده اگر عملی را موازین اسلامی جرم تلقی کند و کشف آنهم طبق قواعد شرعی صورت گیرد، بر طبق حدود و تعزیرات مقرر در شرع مجازات میشود برعکس اگر جرائمی را مقنن وضع کند که در شرع اسلام پیش بینی نشده باشد و یا کشف جرائم شرعی طبق مقررات عرفی صورت گیرد در اینصورت مقررات قانون مجازات عمومی اعمال میگردد.

**قانون مجازات عمومی و تقسیمات عمده آن** - قانون مجازات عمومی از ماده ۱ تا ماده ۱۶۹ در تاریخ ۲۳ دی ۱۳۰۴ و از ماده ۱۷۰ تا ماده ۲۸۰ در تاریخ ۷ بهمن ۱۳۰۴ بتصویب رسیده است. قانون مزبور بچهار باب شرح زیر تقسیم شده است: باب اول در کلیات - باب دوم در جنحه و جنایاتی که مضر به مصالح عمومی است باب سوم در جنحه و جنایات نسبت بافراد باب چهارم در امور خلاف و مجازات آنها.

**قوانین جزائی که بعد از قانون مجازات عمومی بتصویب رسیده است** - مهمترین قوانین جزائی که پس از انتشار قانون مجازات عمومی بتصویب رسیده از قرار ذیل است:

۱ - قوانین راجع به مال غیر که در تاریخ های مختلف بتصویب رسیده است

- ۲ - قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۲
- ۳ - از قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۱۲ .
- ۴ - از قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۴ مهر ماه ۱۳۰۹ .
- ۵ - از قانون اعسار مصوب ۲۰ آذر ۱۳۱۳ .
- ۶ - از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب اسفند ۱۳۱۰ .
- ۷ - از قانون متمم بودجه ۱۳۱۰ و از متمم بودجه ۱۳۱۱ مصوب اسفند ۱۳۱۰
- و از قانون متمم بودجه ۱۳۱۴ مصوب اسفند ۱۳۱۳ و از قانون متمم بودجه ۱۳۱۶ مصوب  
 نوردین ۱۳۱۶ و از قانون متمم بودجه ۱۳۱۷ مصوب اسفند ۱۳۱۶ و تبصره ۳۵ از  
 قانون بودجه ۱۳۲۸ کشور .
- ۸ - قانون انحصار تجارت مصوب ۱۹ تیر ماه ۱۳۱۱ با اصلاحات تیر ماه ۱۳۲۰ .
- ۹ - قانون راجع به معاملات اسعار خارجی مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۱۴ .
- ۱۰ - قوانین مربوط به اهلیت از قانون سجل احوال مصوب ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۹ .
- ۱۱ - قانون ازدواج مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات خرداد ۱۳۱۶ .
- ۱۲ - قانون ارائه گواهینامه پزشک قبل از ازدواج مصوب آذر ماه ۱۳۱۷ .
- ۱۳ - قانون راجع بانکار زوجیه مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۱۱ .
- ۱۴ - قانون راجع به تعیین قیمت اتفاقی مصوب ۲۶ اردیبهشت ۱۳۱۶ .
- ۱۵ - از قانون ورود و خروج اتباع خارجه مصوب ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۰ .
- ۱۶ - از قانون تذکره مصوب دیماه ۱۳۱۱ .
- ۱۷ - قانون طبابت مصوب ۳ جمادی الاخری ۱۳۲۹ قمری .
- ۱۸ - قانون مطبوعات مصوب ۵ محرم الحرام ۱۳۲۶ قمری .
- ۱۹ - از قانون انتخابات مصوب ۱۳۰۴ .
- ۲۰ - قانون منع خرید و فروش برده در خاک ایران مصوب بهمن ۱۳۰۷ .
- ۲۱ - قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۲۹  
 آذر ۱۳۱۵
- ۲۲ - قانون وکالت مصوب ۲۵ بهمن ۱۳۱۵ .
- ۲۳ - قانون راجع به بدهی واردین به مهمانخانه‌ها و پانسی آنها مصوب اول  
 شهریور ۱۳۱۲ .



- ۲۴ - از قانون عمران مصوب ۱۲ آبان ۱۳۱۶ .
- ۲۵ - از قانون کارشناسان مصوب ۲۳ بهمن ۱۳۱۷ .
- ۲۶ - از قانون مربوط بامور دلان مصوب اسفند ۱۳۱۷ .
- ۲۷ - قانون جلوگیری از احتکار مصوب ۲۵ شهریور ۱۳۱۸ و مصوب ۲۷ اسفند ۱۳۲۰ .
- ۲۸ - قانون مجازات پیشه‌وران و فروشندگان مصوب ۱۷ شهریور ۱۳۱۲ .
- ۲۹ - قانون کیفر بزه‌های مربوط براه آهن مصوب ۳۱ فروردین ۱۳۲۰ .
- ۳۰ - قانون طرز جملر گیری از بیماریه‌های آمیزشی و بیماریه‌های واگیردار مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۲۰ .
- ۳۱ - قانون تشدید مجازات اشخاص بدسابقه و شرور مصوب ۱۳ مرداد ۱۳۲۲ .
- ۳۲ - قانون اجازه منع تعقیب اشخاصی که در امور مربوطه باموال قبل از کشف جرم اقرار مینمایند مصوب ۲۳ مرداد ۱۳۲۲ .
- ۳۳ - قانون تشدید مجازات رانندگان مصوب ۱۴ تیرماه ۱۳۲۸ .
- ۳۴ - از قانون هواپیمائی کشوری مصوب مرداد ۱۳۲۸ .
- ۳۵ - قانون تشدید مجازات سارقین مسلح که وارد منزل یا مسکن اشخاص میشوند مصوب نهم تیرماه ۱۳۳۳ .
- ۳۶ - قانون دادرسی و کیفر آرتش دیماه ۱۳۱۸ که در کتاب چهارم آن بحث از جنحه و جنایت و کیفر آن شده است .
- مقررات موضوعه قوه مجریه - طبق اصل نهم و اصل دوازدهم متمم قانون اساسی تعیین مجازات و اجراء آن نباید بموجب قانون باشد و مرجع صلاحیتدار برای وضع قوانین قوه مقننه است ولی قوه مزبور میتواند در مسائل محدود قوه مجریه را مجاز در وضع مقررات قانونی نماید یکی از آن موارد ماده ۲۷۶ قانون مجازات عمومی است و ماده ۲۷۶ نسبت به کلیه امور خلافی از قبیل عدم رعایت نظامات راجعه به بلایه و نظمیه و صحیه و همچنین عدم رعایت نظامات راجع بدرشکه چیها و شو فرها و حفظ حیوانات و همچنین راجع به ولگردی و گدائی و فحاشی و استعمال الفاظ رکیکه در معابر عمومی و امثال آنها وزارت داخله نظامنامه لازمه تهیه نموده و مقررات آن پس**

تصویب وزارت عدلیه بموقع اجراء گذاشته خواهد شد.

این ماده اگر تا حدی در تعیین جرائم خلافی به قوه مجریه آزادی تشخیص  
منا، نموده است ولی از لحاظ مجازات او را محدود کرده است زیرا طبق ماده ۱۱  
ملاحی قانون مجازات عمومی قوه مزبور نمیتواند از حداقل و اکثر حبس و غرامت  
ش بینی شده در آن ماده تجاوز نماید. ماده ۱۱: مجازات خلاف از قراد ذیل است:  
۱- حبس تکدیری از دوروز تا ده روز.

۲- غرامت تا دوست ریال.

متأسفانه عبارات تبصره ماده ۱۲ که مقنن میخواسته بوسیله آن مجازات حداقل  
جنحه كوچك را که سابقاً خیلی کم بوده افزایش دهد طوری تلفیق شده است که  
مساساً مجازات حبس تکدیری را در جرائم خلاف از بین میبرد زیرا طبق تبصره مزبور  
در هر يك از قوانین کیفری که حداقل کیفر حبس کمتر از ۱۱ روز تعیین شده  
است از تاریخ این قانون حداقل کیفر ۱۱ روز خواهد بود. حداقل حبس تکدیری که  
طبق ماده ۱۱ دوروز است به یازده روز تبدیل مییابد و ۱۱ روز هم طبق ماده ۱۱  
حداقل مجازات جنحه كوچك میباشد. عبارتة اخری نتیجه تبصره مذکور این است  
که هیچگاه حبس کمتر از یازده روز که حبس تکدیری است و مجازات خلافی محسوب  
میشود وجود پیدا ننماید. اگر مقنن مانند قسمت آخر تبصره در مورد غرامت جمله و در  
مورد جنحه را قید میکرد معروض انتقاد قرار نمیگرفت.

مسئله اعمال قوانین خارجه در ایران - همه علمای حقوق اتفاق نظر دارند

که محاکم يك کشور نمیتوانند قوانین جزائی کشورهای خارجی را اجراء نمایند. از این  
نظریه این نتیجه استخراج میشود که قوانین جزائی خارجی نمیتواند مستقیماً يك منبع  
حقوق برای حقوق جزای ایران محسوب شود ولی از لحاظ تأثیر قوانین جزای ممالک  
مختلفه در يكديكر ممکن است حقوق جزای ایران بطور غیر مستقیم از آن الهام گیرد.

## گفتار دوم

### عنصر مادی جرم

ازوم يك عنصر خارجي و طبيعت آن - برای اینکه جرمی وجود خارجی پیدا کند پیدایش يك عنصر مادی ضرورت دارد زیرا خلجان فکر برای ارتکات جرم کافی نمیباشد و اگر سیاست جنائی کشوری بصرف قصد ارتکاب جرم اشخاص را مجرم بداند موجب این خواهد شد که در اعماق وجدان اشخاص تجسسات غیر قابل اغماض بعمل آید و غالباً اشخاصی بدون اینکه برای جامعه خطرناک باشند مجازات شوند. ازوم عنصر مادی در تشکیل جرم نباید این نتیجه را گرفت که هر جرمی باید آثاری از خود گذارده و ماده جرمی داشته و یا اینکه آمیخته باعمل مثبت باشد .

جرائم حاصله از فعل و ترك فعل - جرم غالباً از آینده عمل میباشد مثل سرقت و قتل ولی قانون در بعضی موارد از لحاظ نظم عمومی اشخاصی را مکلف با اقدام مینماید در اینصورت اگر این قبیل اشخاص از انجام تکلیف خود احتراز نمایند مرتکب جرم ترك فعل خواهند شد جرائم ترك فعل بیشتر مربوط به کارمندان دولت است ماده ۱۴۹ قانون مجازات عمومی «هر يك از فرماندهان و صاحب منصبان كل و جزء قوای مسلحه مملکتی که پس از تقاضای کتبی قوای کشوری که در حدود قانون است از اجرای مأموریت و وظیفه خود امتناع نمایند از یکماه الی ششماه محکوم بحبس خواهد بود. ماده ۱۵۰ «هر يك از قضات محاکم یا مستنطقین یا مدعی العمومها که تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد او برده شد و رسیدگی بآن از وظایف او بوده باوجود این بهر عذر و بهانه اگر چه بمنر سکونت یا اجمال یا تناقض قانون امتناع از رسیدگی کند یا صدور حکم را برخلاف قانون بتأخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند از شغل قضائی منفصل خواهد شد. ماده ۱۵۱

وهر يك از شهود تحقيق و مطلعين قضيه و اعضاي هيئت منصفه و اعضاي انتخابي محاكم تجارت كه براي حضور در محكمه احضار گردند و بانداستن عذر و وجهي كه محكمه شخصي دهد حاضر نشوند در مدت دو سال از شاهدي تحقيق و عضويت هيئت منصفه و حكم بودن و عضويت محكمه تجارت و عضويت انجمن هاي بلدي محروم خواهد شد، مواردی را پیش بینی کرده که تخلف از آن بمنزله امتناع از انجام وظایف قانونی بشمار آمده و مشمول عنوان جرم ترك فعل میباشد.

یکی از آثار سیاست جنائی جدید این است که جرائم ترك فعل فزونی می یابد. امروز مقررات جزائی فرانسه شخصی را که از نیت سوء و یا اعمال جاسوسی و خیانت دیگری اطلاع پیدا کند و بلافاصله پس از اطلاع به مقامات قضائی و یا نظامی و یا اداری اعلام نکنند مستوجب مجازات حبس با اعمال شاقه در موقع جنگ و حبس ساده در زمان صلح میدانند. همینطور هر کس باشخصی که طبع فعالیت او مضر برای دفاع ملی محسوب شود مرتبط باشد و بلافاصله پس از آگاهی از این فعالیت مقامات فوق الذکر را مطلع نسازد، مستحق مجازات میباشد.

در مورد شرکتهای اگر مأمورین رسیدگی بحسابها در حین انجام وظیفه بجرائم ارتكابی مدیران مخصوصاً جرم کلاهبرداری و جرم خیانت در امانت واقف شوند و به دادستان اعلام نکنند، مستوجب حبس و جریمه میباشد.

از این مواد مبرهن میگردد که عنصر مادی جرم لازم نیست حتماً استوار بر فعل باشد بلکه بعضی اوقات احتراز از انجام وظیفه و بمعبارة اخري ترك فعل هم موجب ارتكاب جرم میشود و بهین مناسبت علمای حقوق یکی از طبقه بندی های جرائم را جرائم ناشی از فعل و جرائم ناشی از ترك فعل قرار داده اند.

جرائم فعل ناشی از ترك فعل - یکی از موضوعات قابل بحث این است که آیا ترك فعلی که متضمن هیچگونه تخلف از امر قانونی نبوده ولی مخالف منافع عمومی باشد جرم تلقی میشود؟

جرم فعل ناشی از ترك فعل شبیه به جرم ناشی از فعل است و نتیجه آن وقوع جرمی است که عادتاً در اثر صدور عمل از ناحیه انسان اتفاق میافتد مثل شخصی که روی جاده راه آهنی يك سنگ بزرگ مشاهده میکند و از جهت اهمال و یا خست طینت

آنرا از خط خارج نمیکند و بالنتیجه در اثر عبور قطار و خروج آن از خط به عده صدمه وارد میآید یا اینکه شخصی در شرف غرق شدن میباشد و ناپیوستگی که او را نظاره میکنند از جهت کینه و یا بی قیدی از کمک باو احتراز میکنند و بالنتیجه غریق جان میسپارد. آیا چنین افعال و قصور مضر به مصالح عمومی یا اینکه از طرف قوانین جزائی پیش بینی نشده قابل تعقیب است؟

در حقوق قدیم فرانسه جواب این سؤال مثبت بوده است. مثل معروف، اگر کسی قادر به دفع خطر باشد و کوتاهی نماید عصیان کار است، مؤید آن است. عقاید فقہائی که طرفدار این نظریه بودند استوار بر حقوق رومی و حقوق منتهی بوده است در قانون جزای ایران مواردی یافت میشود که احتراز از عمل مستوجب مجازات است از این قبیل است ماده ۱۹۸ «هر کس شخصاً یا بتوسط دیگری طفلی را که به سن هفت سال نرسیده است یا شخصی را که عاجز بوده و برای حفاظت خود قادر نمی باشد در جائی که خالی از سکنه است رها کند بحسب تأدیبی از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد» و ماده ۱۹۹ «در مورد ماده قبل هر گاه بطفل و یا شخص عاجز صدمه و آسیبی وارد آید یا فوت شود رها کننده در صورت عامد بودن در اقدام خود بجزای فاعل آن صدمه مجازات خواهد شد» و ماده ۲۰۰ «هر کس شخصاً یا بتوسط دیگری طفلی را که به سن هفت سال نرسیده است یا شخصی را که عاجز بوده و برای محافظت خود قادر نمیباشد در آبادی رها کند بحسب تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مشروط بر اینکه طفل یا شخص عاجز در تکفل فاعل بوده باشد» و ماده ۲۰۱ «در مورد سه ماده قبل اگر مرتکب پدر یا مادر یا کسان دیگری که سمت ولایت نسبت به طفل دارند بوده باشند بعداً کثر مجازات محکوم خواهند شد مگر اینکه ثابت شود که این اقدام در اثر استیصال واقع شده است».

در غیر از موارد پیش بینی شده از طرف قانون مشکل بنظر میآید که احتراز کننده از اقدام قابل تعقیب باشد.

در ۱۹۴۵ میلادی یکی از مقررات جزائی فرانسه راجع بشرکت افراد در عدالت و امنیت عمومی تحول عمیقی را در این باب موجب شده است. واضعین آن بشدت تحت نفوذ تعاون و بهمسکمی بنی نوع انسان واقع گردیده با عبارات کلی هر گونه احتراز

بخردانه و ارادی را که در نتیجه آن زبان بجان و یا سلامت وارد آید و اقدام هم خطری برای احترام کننده و یا شخص ثالثی نداشته باشد قابل مجازات دانسته اند. متن آن چنین است: «اگر کسی قادر باشد نسبت بشخصی که در معرض خطر قرار گرفته کمک کند و عالماً عاوداً از آن امتناع ورزد و کمک او متضمن هیچ خطری برای او و یا شخص ثالثی نباشد مستوجب مجازات از یکماه الی سه سال حبس تأدیبی است».

پیش بینی های مقنن در وضع ماده فوق الذکر خیلی دامنه دار و وسیع است زیرا لازم نیست که جان مجنی علیه حتماً در خطر و یا خطر خیلی شدید باشد و حتی ضرورت ندارد بین احترام کننده و مجنی علیه نسبت سببی یا نسبی موجود و یا احترام کننده مکلف با انفاق به مجنی علیه باشد ولی برعکس احترام از وقتی قابل مجازات است که اقدام موجب خطر برای احترام کننده و یا شخص ثالثی نباشد ماده مزبور نخواسته است شهادت و جوانمردی را تحمیل بر افراد نماید. در عمل از لحاظ تشخیص خطر بکه متوجه مجنی علیه میشود و مهالکه که احترام کننده در معرض آن قرار میگیرد و بالنتیجه تعیین تقصیر او مواجه با اشکالات شده اند. قابلیت انعطاف ماده فوق الذکر طوری است که بیم ایجاد خودسری اشخاص کلاه بردار را فراهم مینماید خصوصاً با این کیفیت که ابتکار شکایت از احترام کننده بدادسرا تفویض نشده است.

## گفتار سوم

### عنصر معنوی جرم

برای پیدایش جرم وجود عنصر معنوی ایجاب می‌گردد. مکتب نئو کلاسیک که اساس مجازات را بر مختاریت و آزادی انسان استوار می‌کند و مکتب تحقیقی که جرم را از لحاظ خطرناکی فاعل آن قابل تعقیب میداند عنصر معنوی را یکی از عناصر ضروری جرم دانسته‌اند که بدون آن جرم تحقق پیدا نمی‌کند. برای اینکه طبیعت عنصر معنوی معلوم شود باید تعریف آن را تجزیه کرد و تشخیصات دقیقی برای آن قائل شد این تشخیصات در طبقه بندی جرائم و تشریح شروع به جرم و تبیین مسئولیت مجرمین مفید می‌باشد و برای تسهیل امر باید قبلاً از مفهوم اراده و داعی و قصد و خطا و اشتباه تعریف کرد.

**مفهوم اراده** - اراده يك عنصر معنوی بشمار می‌آید که در وجود آوردن کلیه جرائم ضرورت دارد يك عمل خارجی نمیتواند مطلق نظر مقامات اجتماعی قرار گیرد مگر اینکه مظهر اراده انسانی باشد. این قضیه در تمام جرائم حتی جرائم خلافی صدق می‌کند.

**مفهوم داعی در ارتکاب جرم** - داعی ارتکاب جرم بطور کلی در وجود آوردن جرم و شدت مجازات قانونی آن اثر ندارد.

داعی ارتکاب جرم را عموماً مقصد نهایی که از طرف فاعل جرم تعقیب میشود دانسته‌اند. شاید برای تعریف آن بهتر باشد گفته شود که عبارت از نفع و یا ذوقی است که مجرم را بارتکاب جرم سوق میدهد.

در هر جرمی داعی ارتکاب آن ممکن است مختلف باشد مثلاً در سرقت داعی ارتکاب ممکن است داهی حرص و گاهی احتیاج شدید و بالاخره گاهی بشر دوستی باشد. بر تمام این موارد عنوان سرقت اطلاق میشود داعی ارتکاب جرم در بوجود آوردن جرم و وصف آن و حتی مجازات قانونی اثر ندارد ولی این قاعده متضمن بعضی محدودیتهاست :

۱- يك قسم داعی است که عملاً موجب عدم مجازات جرم است و آن ناشی از سهی است که برای کشف معاملات مربوط به طلاویا افزایش نامشروع قیمتها متداول است. در پامیس قضائی فرانسه هر سوم است که برای کشف این قبیل جرائم متوسل بگسترده شدن باشد و شخص مظنون را تحریض بارتکاب آن مینمایند و چنانچه حاضر بارتکاب نشد او را دستگیر مینمایند. از لحاظ حقوق جزا تحریض کننده مسئول است و میتوان او را از جهت تحریک و یا دادن دستور که ازار کان معاونت جرم است تعقیب نمود و اگر خود پیشنهاد خرید کند، فروشنده و خریدار هر دو مجرم اصلی محسوب میشوند. است است که چنین شخصی قصد ارتکاب جرم ندارد ولی اگر دقت شود مسلم میگردد که این قصد در این مسئله همان داعی است و داعی هم همانطور که سابقاً ذکر شد در جرم بی اثر است. با اینکه کایه عوامل تشکیل دهنده جرم در این قبیل موارد جمع است مع ذلك چون تعقیب تحریض کننده منوط با اقدام اداره ذینفع است و اداره مزبور هم در مقام تعقیب او بر نمی آید عملاً مجازاتی متوجه او نمیشود.

۲- اگر چه داعی ارتکاب جرم در مجازات قانونی بلا اثر است ولی قاضی مکلف است با اختیاری که در تعیین مجازات بین حداقل و اکثر و رعایت کیفیات مخففه دارد آنرا در نظر بگیرد.

۳- در بعضی ممالک از لحاظ رعایت داعی در ارتکاب جرم پیشنهاد شده دو نوع مجازات پیش بینی شود یکی مجازاتهای شرافتمندانه و دیگر مجازاتهای رسوا کننده و فضیحت انگیز و همین نظر در تعیین مجازات برای جرائم سیاسی و جرائم عمومی ملحوظ شده است.

تمیز بین داعی و قصد اضرار - اگر چه فرق بین داعی و قصد اضرار خیلی واضح نیست مع ذلك لازم است برای آن دو فرق قائل شد قصد اضرار عبارت از اراده بخردانه هر تکب در وارد آوردن خسارت بوسیله عمل ارتکابی میباشد. قصد اضرار در بعضی جرائم ازار کان تشکیل دهنده جرم محسوب میشود مثل جعل در سند که عبارت از تغییر یا ساختن آن برای استفاده بعنوان دلیل میباشد. رویه قضائی فرانسه اظهار نظر کرده که هدف مرتکب جعل در ایجاد خسارت شخصی و یا اجتماعی یکی ازار کان تشکیل



دهنده جرم تلقی میشود. بنابراین اگر فرض شود شخصی وصیت نامه‌ای بر سیل شوخی جعل کند شرط بالاتفاق نیافته و بالنتیجه غیر قابل تعقیب است.

در موارد استثنائی داعی یکی از ارکان اصلی جرم بشمار می‌آید. در بعضی ممالک اروپائی اخیراً قوانینی بتصویب رسیده که داعی ارتکاب جرم را استثنائاً بیک عدم لازم و اساسی در تشکیل جرم دانسته و بدون وجود آن عمل ارتکابی قابل تعقیب نیست یکی از این قوانین مربوط با اقداماتی است که هدف آن تنزیل ارزش پول و دستبرد باعتبار دولت میباشد.

در مسئله جاسوسی داعی ارتکاب جرم موجب تغییر وصف جرم میشود مثلاً اگر هدف مرتکب در افشاء یکی از اسرار دفاع ملی این باشد که آنرا بیک کشور خارجی تسلیم کند مجازات او جنائتی است و برعکس اگر از روی بی احتیاطی اقدام به تجسس کرده باشد مجازات او خفیف تر میباشد.

اخیراً در فرانسه سقط جنین از طرف مادر که بکنوع آدمکشی است جنحه تلقی شده است زیرا انگیزه مادر در ارتکاب چنین عملی که غالباً برای صیانت شرافت خانوادگی است، مورد توجه مقنن قرار گرفته و بالنتیجه مجازات قتل عمد به جنحه تبدیل یافته است و چنانچه مادر در ارتکاب این جرم شریک و معاون داشته باشد، آنان هم از این تغییر وصف برخوردار شده به مجازات جنحه محکوم میشوند.

فرض داعی شرافتمندانه در اقدام مادر به سقط جنین بیک فرض قانونی است که ممکن است قراین کذب آنرا نماید بجای عدم قابلیت انعطاف قانون فرانسه در مورد سقط جنینی که تنها بر حسب صفت و عنوان عامل جرم و بدون در نظر گرفتن داعی او اندازه مجازات را تعیین میکنند، در قوانین سایر کشورها اندازه مجازات بادر نظر گرفتن طبع داعی مجرم در ارتکاب هر جرمی تعیین میشود و این سیستم بر سینه فرانسه رجحان دارد.

داعی را نباید با قصد که در بیشتر موارد یکی از ارکان تشکیل دهنده جرائم جزائی محسوب میشود اشتباه نمود.

مفهوم سوء نیت - بعضی هانیت جنایتکارانه را عبارت از کشش اراده بطرف یک هدف مخالف منفعت اجتماعی دانسته اند این تعریف قدری مبهم است و ممکن است